موقعیت پناهگاه‌ها یا گریزگاه‌های امن منطقه سکونت خود (مثلا پارک ها یا سوله ها) را برای مواقع بحرانی شناسایی کنید.

رئیس قطار باری راه‌آهن زاگرس را به دره ۱۵۰ متری پرت کردند

ایرنا| یک منبع موثق از دستگیری عوامل فوت رئیس قطار باری راه‌آهن زاگرس خبر داد و گفت: «عوامل این قتل شناسایی و دستگیر شدند.» او که خواست نامش فاش نشود، افزود: «قاتلان رئیس قطار باری در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شدند.» حسین شهابی‌مقدم، رئیس قطار باری سه روز پیش، بعد از توقف قطار باری توسط پنج نفر سارق، برای حفظ اموال بیت‌المال با آنها درگیر شد که سارقان او را به دره پرتاب کردند. با توجه به ارتفاع دره، حسین شهابی‌مقدم بر اثر شدت جراحات فوت کرد که با همکاری مردم محلی و پلیس راه‌آهن زاگرس، عوامل این قتل دستگیر شدند. این پنج نفر بعد از سرقت کابل‌های برق راه‌آهن اقدام به توقف قطار باری کردند. سارقان همزمان با ممانعت مقتول مواجه شدند و او را از ارتفاع ۱۵۰ متری به داخل دره پرتاب کردند که باعث مرگ رئیس قطار باری شد.

پیگیری «شهروند» از وضع پرونده و متهم حادثه حمله به مامور راهور در جاده شیراز به کازرون

پنج سال از محکومیت صاحب لندکروز معروف بخشیده شد

سروان علیرضا رئیسی: خیلی‌ها با من تماس گرفتند و واسطه شدند، اما من برای آزادی رضایت ندادم

شهروند| اواخر تابستان سال گذشته بود که فیلم کوتاهی در فضای مجازی حسابی سروصدا به پا کرد. همان ماجرای حمله سرنشینان یک لندکروز به مامور راهنمایی‌ورانندگی در جاده شیراز به کازرون. حادثه‌ای که خیلی زود با واکنش مقامات پلیس مواجه شد و در مدت زمان کوتاهی هم متهمان آن دستگیر و روانه زندان شدند. دادگاه، متهم اصلی پرونده یعنی همان کسی که مامور راهور را زیر مشت و لگد گرفته بود، به هفت‌سال‌ونیم زندان و دو سال تبعید محکوم کرد. البته دو متهم دیگر آن حادثه هم هر کدام به ۶ تا هشت ماه زندان محکوم شدند. همان زمان و در حین برگزاری جلسات دادگاه، اخباری همراه با تصاویری از متهم اصلی پرونده منتشر شد که ضمن عذرخواهی و ابراز پشیمانی از رفتارش خواهان تخفیف مجازات و مشخصا گذشت شاکی اصلی پرونده یعنی سروان علیرضا رئیسی بود. درخواستی که البته با توجه به نوع جرم و رفتار عجیب و خشن متهم اصلا منطقی هم به نظر نمی‌رسید. حالا تقریبا ۱۱ ماه از آن حادثه گذشته و متهم اصلی آن حادثه درحال گذراندن دوران محکومیتش در زندان است. برای اطلاع از آخرین وضع متهم این پرونده سراغ سروان علیرضا رئیسی رفتیم و دقایقی با او گفت‌وگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:

• آقای رئیسی نزدیک به یک‌سال از آن حادثه می‌گذرد، اگر دوباره به عقب بازگردید، متهم را نمی‌بخشید؟

راستش نه. رفتار و کاری که آن آقا با من کرد، فقط توهین به من نبود، به لباس و جایگاه پلیس توهین شد. من هنوز هم وقتی یادش می‌افتم، واقعا عصبی می‌شوم. به نظر من گذشت شرایط خاصی دارد، اما رفتار آن آقا اصلا قابل گذشت نبود، ضمن آن‌که به جز من، پلیس هم به موضوع ورود کرد و یکی از شاکیان آن پرونده بود.

• از مجرم خبر دارید؟

بله، می‌دانم که در زندان است و دوران محکومیتش را سپری می‌کند. البته شنیدم که به مناسبت ایام دهه فجر تخفیف مجازات گرفت.

• یعنی از زندان آزاد شد؟

نه، ولی مثل این‌که پنج‌سال از دوران حبسش کاهش پیدا کرده است.

• با این حساب حدود یک‌سال و نیم دیگر از زندان آزاد می‌شود؟

بله. تقریبا یک سال و نیم دیگر زندانی دارد، البته در حکم دادگاه دوسال تبعید بود، حالا خبر ندارم که تبعیدش هم بخشیده شده یا نه.

• در این مدت خانواده یا آشنایانش برای گرفتن رضایت به شما مراجعه نکردند؟

خیلی زیاد. فکر می‌کنم دیگر کسی باقی نمانده باشد که با من برای رضایت دادن تماس نگرفته باشد. تا چند ماه تلفن خانه و تلفن همراه و محل کارم مدام زنگ می‌خورد. خیلی به من مراجعه کردند، حتی محل زندگی و خانه‌ام را هم پیدا کردند، واقعا کلافه شده بودیم، حتی پدر و مادرش هم به خانه ما آمدند.

• برای گرفتن رضایت؟

بله، یک روز زنگ خانه را زدند، ما نمی‌دانستیم و در را باز کردیم. پدر و مادر، همسر و برادرزنش بودند. حدود دو ساعت هم در خانه ما حضور داشتند. رضایت می‌خواستند، اما من قبول نکردم.

• چرا؟

واقعا برای خود من هم سخت است که چنین برخوردی داشته باشم. من به خانواده او گفتم چشم درست می‌شود، البته بخشی از ماجرا را به سازمان واگذار کردم، به هرحال من یک نیروی نظامی هستم و در حین خدمت هم این حادثه رخ داد، ضمن آن‌که کل ماجرا برای پلیس و اقتدار نیروی انتظامی اصلا مناسب نبود، به همین دلیل بخشی از تصمیم‌گیری درخصوص آن برعهده راهنمایی‌ورانندگی است، فقط رضایت من به تنهایی ملاک نیست.

• یعنی اگر شما رضایت بدهید، مجرم همچنان در زندان می‌ماند؟

من هنوز با سازمان دراین‌باره صحبت نکردم و نظر آنها را نمی‌دانم. اما از طرف آنها هم صحبتی درباره گذشت و رضایت با من انجام نشده است. به‌هرحال جرمی رخ داده و متهم هم خودش قبول دارد، ضمن این‌که هنوز یک‌سال هم از دوران محکومیتش را طی نکرده است.

• دوستان و همکارانتان با شما صحبتی درباره آن حادثه نمی‌کنند؟

نه، صحبتی نیست. بعضی از همکارانم بشدت مخالف هرگونه تخفیف و صلح و سازش هستند، البته حق هم دارند، من هم جای آنها بودم همین احساس را داشتم، به‌هرحال توهین به پلیس آن هم به آن شکلی که همه دیدند، واقعا آزاردهنده است.

• در این مدت خود متهم را ندیدید؟

نه، ولی واسطه‌های زیادی را فرستاد. به‌هرحال شیراز خیلی هم بزرگ نیست، هم ما و هم آنها ساکن شیراز هستیم، در ضمن به دلیل شغلش که فروشنده عمده لوازم یدکی خودرو است، افراد زیادی را هم می‌شناسد. خیلی‌ها را هم برای وساطت فرستاده، اما من هنوز حاضر به رضایت نیستم. شاید بهتر باشد کمی زمان بگذرد.

ذره بین

ماجرای بدل اندازی که دوباره دستگیر شد

فروش مجسمه شاهدخت ایرانی

شهروند| مرد جوان که خود را به جای چاه‌کن افغانستانی جا می‌زد، به بهانه فروش عتیقه‌های ته یک چاه دست به کلاهبرداری میلیونی از طعمه‌هایش می‌زد. روز چهارشنبه ماموران کلانتری ۱۳۵ آزادی حین گشتزنی در محدوده استحفاظی خود با فردی روبه‌رو شدند که تعدادی مجسمه همراهش بود و پیش‌تر توسط عوامل همین کلانتری به جرم بدل‌اندازی دستگیر شده بود که برای بررسی بیشتر به کلانتری منتقل شد.

بررسی‌های بیشتر نشان داد که این مرد ۳۲ ساله که ساکن یکی از شهرستان‌های غربی استان تهران است، پیش‌تر به جرم بدل‌اندازی بازداشت و به دلیل نبود شاکی خصوصی آزاد شده بود.

شگرد این متهم به این صورت بود که او در تماس تلفنی با افراد مختلف مدعی می‌شده که چاه‌کن و از اتباع افغانستان است. او عنوان می‌کرد که تعدادی مجسمه طلای شاهدخت ایرانی را حین حفر چاه و در انتهای چاه پیدا کرده اما به دلیل تابعیت خود قادر به فروش مجسمه‌ها نیست. این متهم در قرار حضوری می‌گفته که حاضر است مجسمه‌ها را به قیمت ۲۰۰ میلیون تومان به فروش برساند. او با معرفی خود به نام سخا در قرار حضوری، با بریدن بخش بالایی مجسمه با استفاده از قیچی، قطعه جداشده از سر مجسمه را با قطعه‌ای طلا در دستش عوض می‌کرده و طلا را به خریدار می‌داده است. این فرد با ارایه طلا از خریدار می‌خواسته طلا را بررسی و پس از اطمینان از اصل بودن طلا برای خرید مجسمه‌ها اقدام کند؛ در صورتی که جنس مجسمه‌ها از فلز برنج بود و متهم به طرز ماهرانه‌ای مجسمه‌ها را به شکل عتیقه درمی‌آورد.

سرهنگ سعید آقایاری، رئیس مرکز فرماندهی و کنترل پلیس پیشگیری پایتخت، با اعلام این خبر گفت: «تمام افرادی که از این طریق مورد کلاهبرداری قرار گرفته‌اند برای طرح شکایت به کلانتری ۱۳۵ آزادی مراجعه کنند.»

جولان خلافکاران ادامه دارد

پاکسازی مستمر پارک دانشجو توسط پلیس

شهروند| ماموران پلیس تهران در عملیات غافلگیرانه در پارک دانشجو موفق به دستگیری ۲۵ مجرم و خرده‌فروش موادمخدر شدند.

سردار کیوان ظهیری، رئیس پلیس پیشگیری پایتخت در تشریح عملیات پاکسازی پارک دانشجو از مجرمان و خرده‌فروشان موادمخدر گفت: «در پی مطالبات شهروندان مبنی بر پاکسازی پارک دانشجو و محوطه تئاتر شهر از خرده‌فروشان موادمخدر، معتادان و مزاحمان، تیم عملیات انتظامی برای شناسایی این افراد تشکیل شد. پس از شناسایی این افراد، تیم‌های انتظامی کلانتری ۱۲۹ جامی و سرکلانتری هشتم پلیس پیشگیری به صورت محسوس و نامحسوس فعال شده و شب گذشته در یک عملیات ضربتی، فروشندگان موادمخدر، مزاحمان و حاملان سلاح سرد را بازداشت کردند. در طرح پاکسازی این پارک ۲۵ نفر دستگیر شدند و تعدادی سلاح سرد و مقادیری موادمخدر و روان‌گردان نیز کشف شد، ۶ دستگاه خودرو و ۱۵ دستگاه موتورسیکلت نیز که در حوالی پارک اقدام به مزاحمت برای شهروندان می‌کردند، توقیف شد.»

سردار ظهیری با بیان این‌که با برنامه‌ریزی مدون، پارک دانشجو از حضور مجرمان پاکسازی می‌شود، گفت: «این طرح به صورت مستمر به اجرا درمی‌آید.» رئیس پلیس پیشگیری پایتخت متذکر شد با افرادی که قصد ناامن کردن پارک دانشجو را دارند، برخورد قاطع صورت خواهد گرفت و این پارک باید محیطی امن برای رفت‌وآمد شهروندان و خانواده‌ها باشد.

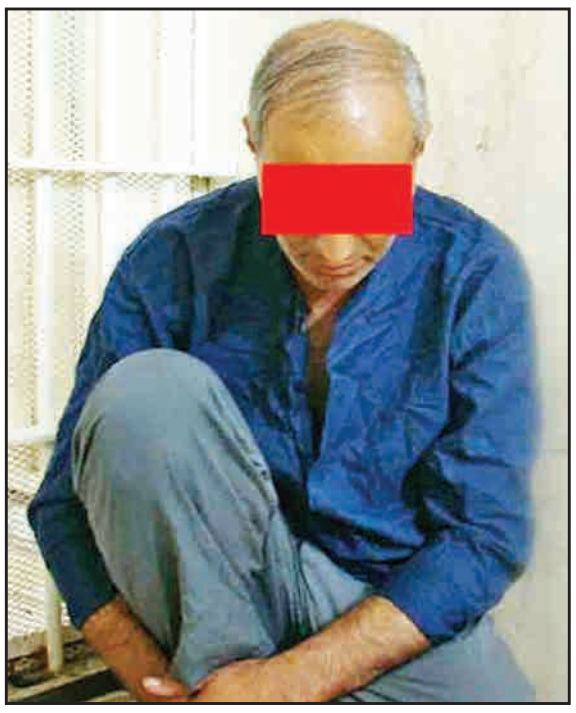

پدری که دختر ۷ ساله‌اش را کشت تا سختی نکشد و به بهشت برود

پارمین به جای مرغ مینا پرواز کرد

شهروند| پدر سنگدل با انگیزه عجیب و مرموزی، دختر ۷ ساله خود را خفه کرد. این مرد بعد از این‌که دخترش را به بهانه خرید مرغ مینا به بیرون از خانه برد، او را در بغل خود خفه کرد، تا دخترش را به بهشت بفرستد. این تنها دلیلی بود که پدر قاتل درباره این جنایت به پلیس اعلام کرد. درحال حاضر قاتل که از کارمندان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه پتروشیمی عسلویه است، تحت بازجویی قرار دارد، تا زوایای پنهان این جنایت تلخ آشکار شود.

ساعت یک بامداد پنجشنبه ۲۰ تیرماه بود که از بیمارستان شهر جم خبر رسید دختر ۷ ساله‌ای به طرز مرموزی جان باخته است. ماموران پلیس بلافاصله این موضوع را در دستور کار خود قرار دادند و با حضور در بیمارستان به تحقیق در این رابطه پرداختند. تجسس‌ها نشان می‌داد این دختربچه به علت خفگی و قطع‌شدن انسداد تنفسی‌اش جان باخته است.

درحالی‌که بررسی‌ها درخصوص این جنایت تلخ ادامه داشت، ساعتی بعد مردی میانسال به پلیس جم مراجعه کرد و از یک جنایت هولناک خانوادگی خبر داد. این مرد با تسلیم‌شدن در مقابل پلیس گفت که دختر ۷ ساله‌اش را به قتل رسانده است. بلافاصله مرد میانسال تحت بازجویی قرار گرفت.

او با اعتراف به قتل دخترش انگیزه‌ای عجیب را مطرح کرد و دراین‌باره گفت: «دخترم به نام پارمین همه زندگی من بود. او را بشدت دوست داشتم و همیشه دلم می‌خواست بهترین زندگی را داشته باشد.

از نظر من او یک فرشته بود و باید در بهشت زندگی می‌کرد، برای همین شب حادثه به بهانه این‌که می‌خواهم برای او مرغ مینا که خیلی دوست داشت، بخرم، او را به بیرون از خانه بردم. ساعت ۸ شب بود، جایی نشستیم و درحالی‌که دخترم در بغلم بود، او را خفه کردم. فقط می‌خواستم دخترم در بهشت زندگی کند و از این دنیا و سختی‌هایش آزاد شود. برای همین این کار را کردم. اصلا نمی‌خواستم دختر کوچکم سختی بکشد. به همین دلیل بود که تصمیم گرفتم او را به آن دنیا بفرستم تا بهترین زندگی را داشته باشد.»

با اعترافات این مرد وی با قرار قانونی روانه زندان شد و کارآگاهان پلیس نیز تحقیقات خود را درخصوص زوایای پنهان این پرونده ادامه دادند. سردار خلیل واعظی، فرمانده انتظامی استان بوشهر در رابطه با این پرونده گفت: «در حال حاضر پرونده متهم که شاغل در یکی از شرکت‌های زیرمجموعه پتروشیمی عسلویه و از ساکنان جم است، به منظور تکمیل تحقیقات در اختیار پلیس آگاهی قرار گرفته است.»

آگهی مفقودی

سند کمپانی و شناسنامه (برگ سبز) خودرو سواری تیبا هاچ بک مدل ۹۴ سفید به شماره انتظامی ۹۶ط۱۹۹ ایران ۱۸و شماره موتور ۸۲۰۶۸۵۵ و شماره شاسی NAS۸۲۱۱۰۰F۱۰۲۷۶۷۴ به نام امیر الیاسی مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط است.